

بازی دوسر برد یا اقدامی از سر اضطرار؟



خاطر موهون خواه

«یک گام به جلو». این جمله شاه کلید توصیف مدیریت استراتژیک در یک بنگاه اقتصادی است. برای ابرهدیگی که ۱۰ درصد از سهامش را آخرین روز کاری هفته ای که گذشت، در بورس واگذار کرده، این جمله می تواند حسن ختام تمام حرف و حدیث هایی باشد که حول و حوش این واگذاری طی یک هفته اخیر شنیده شد. شستا یا همان شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی که امسال وارد سی و چهارمین سال فعالیت خود می شود، اواخر هفته گذشته ۱۰ درصد از سهامش را در بورس عرضه کرد. وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی و مقامات این سازمان هدف اصلی از این واگذاری را کمک به افزایش شفافیت و نظارت مردمی در شستا اعلام کردند و در مقابل گروهی هم عنوان می کردند که این واگذاری که به عنوان بزرگترین واگذاری در تاریخ بورس ایران از آن یاد می شود، برای این ابرهدیگی و البته

خریداران سهام آن در بلند مدت مشکل ساز خواهد شد.

این روزها سئوالات متعددی درباره این واگذاری مطرح است. اینکه، آیا واگذاری ۱۰ درصد سهام شستا واقعا به زیان خریداران است و به زودی همین سرمایه اندک خود را از دست می دهند؟ دولت راسا اجازه فروش سهام شستارا در بورس نداشته، چون حق کارگران و بیمه گذاران را فروخته است؟ یا دولت با کسری بودجه مواجه است و ناچار اقدام به این واگذاری کرده است؟ اینها نمونه سوالاتی است که در روزهای گذشته در شبکه های اجتماعی مطرح شد و متعاقب آن البته پاسخ هایی که از سوی مقامات دولتی دو نهاد منتفع ارایه شد که به نظر می رسد برخی ابهامات همچنان باقی است. واقعیت این است که سرعت اجرای این تصمیم سبب شد تا ابهامات بسیاری در خصوص این واگذاری، باید و بنایدهای آن باقی بماند. هر چند باید امیدوار بود که طی روزهای آینده، پاسخ های روشن تری از سوی مسئولان شستا به افکار عمومی داده شود

مزیتی که واگذاری های مثل شستا در اقتصاد دارند، کمک به شفافیت بیشتر عملکرد شرکت ها و زیر ذره بین قرار گرفتن عملکرد مدیران آنهاست. موضوعی که در سال های گذشته خواسته مردم بوده است

که چه هدفی را از این واگذاری با این سرعت دنبال کردند و چه برنامه هایی در آینده در دستور کار دارند.

حراج فروش زیر یا سرمایه گذاری؟ یکی از شروط اصلی پذیرش یک شرکت در بورس بر اساس قانون بازار سرمایه، بدهکار نبودن آن شرکت به سازمان مالیاتی و نداشتن وثایق سنگین نزد بانکهاست. مرحله بعد ارائه امیدنامه و صورت های مالی حسابرسی شده بر اساس زمان بندی اعلام شده در بورس، برنامه کسب و کار (Business Plan) برای سه سال آینده و سایر موارد تخصصی مرتبط با شرکت متقاضی

برای پذیرش در تابلو بورس است. تا اینجا کار یکی از ابهامات مطرح شده از سوی برخی افراد که عنوان می کردند، شستاز یا نه است، با پذیرش در بورس پاسخ داده شده است. برخی فعالان اقتصادی مثل پدرام سلطانی، معاون پیشین اتاق تهران اخیرا در توییت نوشته بود: «برای ثبت در تاریخ می نویسم. عرضه سهام شستا فروش زیر پای تامین اجتماعی کشور است. از سر نادانی، اضطرار یا بی مسئولیتی، از هر چه باشد یک ظلم به کارگر و کارفرما و یک خیانت در امانتی است که آنها نزد دولت داشتند. پول می خواهید؟ سهام زیر مجموعه ها را بفروشید!»

امروزه یکی از شیوه های تامین سرمایه بنگاه ها، عرضه سهام در بورس است. بجز ابزارهای مالی دیگر مثل اوراق قرضه یا بازار ارز که کارکردهای مشخصی در بازارهای مالی دنیا در جهت تامین نیاز بنگاه های اقتصادی دارند، این ابزارها در اقتصاد ایران کمتر مورد استفاده قرار گرفته که البته دلیل عمده آن وابستگی اقتصاد ایران به نفت بوده است.

در سال های اخیر، تحریم ها این فرصت را پیش روی دولت قرار داده که بدون درآمد نفت دخل و خرج کند و به سایر ابزارهای تامین مالی همانند رویه های که در اقتصادهای دنیا اجرائی می شود، روی بیاورد. موضوعی که به اعتقاد بسیاری از کارشناسان اقتصادی می تواند منجر به شفافیت و پاسخگویی بیشتر این دولت و دولت های بعدی نسبت به اموال عمومی شود.

اگر فروش ۱۰ درصد از سهام تامین اجتماعی در بورس مبنای پیروی از همین رویه در نظر گرفته شود و سپس با احتساب امیدنامه و برنامه کسب و کاری که شستا هنگام اعلام درخواست خود به بورس ارائه کرده جمع بسته شود، روشن می شود که فروش ۱۰ درصد از مجموع ۱۰۰ هزار میلیارد تومان سرمایه این شرکت در واقع رقم چندان بزرگی نیست و نمی توان تعبیر «فروش فرس زیر پای کارگران» را برای آن بکار برد. ضمن اینکه ماموریت اصلی سازمان تامین اجتماعی در اصل صیانت از حقوق بیمه شدگان است که این اقدام درست در همین راستا انجام شده است. یعنی تامین مالی برای طرح های توسعه ای که این سازمان حداقل برای سه سال آینده برنامه آن را به بورس ارائه کرده است.

نکته انحرافی که در لابلای نقدهای مطرح شده در شبکه های اجتماعی از جمله توییت مورد توجه قرار می گیرد، فروش شستا برای جبران کسری بودجه دولت است. این در حالی است که شستا هلدینگ زیرمجموعه سازمان تامین اجتماعی به عنوان یک نهاد عمومی است و نه شرکت دولتی؛ بنابراین قانونا دولت نمی تواند آن را بفروشد و از درآمدش برای کسری استفاده کند. از سویی فروش ۱۰ درصد سهام شستا، معادل ۷ هزار میلیارد تومان حتی ۳ درصد از کسری بودجه دولت را جبران نمی کند و قاعدتا دولت می تواند از ابزارهای دیگری مثل انتشار اوراق قرضه برای جبران کسری بودجه خود بهره بگیرد که کارایی بیشتری دارند.

اطلاع نداری، سرمایه گذاری نکن!

رشد شاخص بورس ایران این روزها هر روزش خیره کننده شده است. از تشکیل صف های طولانی برای گرفتن کد معاملاتی توسط مردم گرفته تا سودهای سه رقمی بر مبنای درصد که توجه خیلی ها را برای سرمایه گذاری در این بازار جلب کرده است. البته این انتقاد را نمی توان نادیده گرفت که ورود به بازار سرمایه، نیازمند دانش و مهارت های فنی است، اما برای رشد این بازار در اندازه های اقتصاد ایران هنوز جای کار بسیاری وجود دارد. از همین رو، ورود ابرهدیگی هایی مثل شستا به بورس علاوه بر آنکه جایگاه بورس را در اقتصاد ایران تقویت می کند، موجب می شوند که فرآیند تشکیل سرمایه در اقتصادی که با تحریم ها دست و پنجه نرم می کند، سرعت بگیرد.

ورود ابر هلدینگ های مثل شستا به بورس علاوه بر آنکه جایگاه بورس را در اقتصاد ایران تقویت می کنند، موجب می شوند که فرآیند تشکیل سرمایه در اقتصادی که با تحریم ها دست و پنجه نرم می کند، سرعت بگیرد

مزیت دیگری که واگذاری های مثل شستا در اقتصاد دارند، کمک به شفافیت بیشتر عملکرد شرکت ها و زیر ذره بین قرار گرفتن عملکرد مدیران آنهاست. موضوعی که در سال های گذشته خواسته مردم بوده است. در عین حال که تسریع در اینگونه واگذاری ها در بورس سبب می شود که میزان پاسخگویی از سوی نهادها و شرکت های دولتی که سهامشان را در بورس عرضه می کنند، بیشتر شود و در بلندمدت به لحاظ اقتصاد سیاسی یک گام به جلوسد.

در عین حال باید در نظر داشت که اگرچه بازارهای مالی در تامین منابع مالی از طریق پس اندازهای کوچک و بزرگ نقش مهمی داشته و موجب هدایت منابع مالی به سوی مصارف و نیازهای سرمایه گذاری در بخش های مولد اقتصادی می شوند، اما حتما تازه واردها به بورس باید این توصیه «وان بافت»، سرمایه گذار معروف آمریکایی را مدنظر قرار دهند که: «هرگز در کسب و کاری که آن را درک نمی کنید سرمایه گذاری نکنید.»



تزارش

حواشی ماجرای تلخ زنده به گور شدن جوجه ها ادامه دارد

کارشناسان: مقصر وزارت جهاد کشاورزی و صمت هستند

دیروز فیلمی از زنده به گور شدن ۱۵ میلیون جوجه در شبکه های اجتماعی دست به دست شد که واکنش های منفی بسیاری به دنبال داشت. انجمن تولید کنندگان جوجه یک روزه علت معدوم سازی این جوجه ها را کمبود دان و نهاده های طیور اعلام کردند و اندکی بعد معاون وزیر کشاورزی عنوان کرد که این موضوع عادی است و پیش از این نیز این کار انجام می شده، اما فیلمی از آن منتشر نمی شده است.

به گزارش خبرنگار ایلنا؛ از دیروز فیلم های معدوم سازی جوجه های یک روزه بلوا به پا کرده به نحوی که سوزه رسانه های خارجی نیز شده است. در یک فیلم جوجه ها را با بیل در کیسه های زباله می ریزند و در فیلم دیگر با کامیون به محلی برای دفن می برند و با بیل مکانیکی آن ها را درون چاله سرازیر می کنند. دیدن این صحنه ها در حالی که جوجه ها هنوز زنده هستند و صدای آن ها در تمام طول فیلم به گوش می رسد برای هر کس دلخراش است. افزایش قیمت نهاده ها، کاهش شدید قیمت مرغ و در پی آن جوجه یک روزه دلیل این اقدام عنوان می شود.

روز گذشته خبرنگار ایلنا، نایب رئیس کانون انجمن صنفی مرغداران کشور، در گفت و گو با ایلنا با تاکید بر اینکه مرغداران در حال حاضر نهاده های دامی را به سختی و با قیمت بالا تامین می کنند، اظهار کرد: در حال حاضر هر کیلوگرم ذرت با قیمت ۲ هزار و ۴۰۰ تومان و هر کیلوگرم سویا با قیمت ۳ هزار و ۵۰۰ تومان به دست مرغداران می رسد.

وی ادامه داد: نکته قابل توجه این است که این نهاده ها با از ۴۲۰۰ تومانی وارد شده و قیمت مصوب ذرت یک هزار و ۵۰۰ تومان و قیمت مصوب سویا ۲ هزار و ۴۵۰ تومان است.

اسدالله نژاد با بیان اینکه افزایش قیمت نهاده های دامی

مرتضی رضایی، معاون تولیدات دامی وزارت جهاد کشاورزی در گفت و گو تلویزیونی نیز این راهکار را تأیید کرد و افزود: معدوم سازی جوجه یک روزه در شرایط مازاد تولید برای تنظیم بازار اقدامی است که در دنیا متداول است.

وی ادامه داد: شرایط پیش آمده برای صنعت مرغداری را غیر قابل پیش بینی دانست و شیوع و پیروسی کرونا را مقصر شرایط پیش آمده عنوان کرد. رضایی قسول داد به زودی اقدامات حمایتی این وزارت خانه برای مرغداران اجرا خواهد شد تا میزان آسیب به صنعت مرغداری کاهش یابد.

اما آیا نمی شود با برنامه ریزی دقیق برای تولید از این اتفاقات جلوگیری کرد؟ ایساراه حل دیگری برای به جز معدوم سازی جوجه های یک روزه برای کنترل تولید و جلوگیری از زیان مرغداران وجود ندارد؟ راهکارهای مانند صادرات یا توزیع جوجه ها یک روزه در مناطق محروم؟

حسن مهربانی یگانه، استاد دانشگاه تهران در گفت و گو با ایلنا به این سوالات پاسخ داد. وی ضمن مقصر دانستن وزارت جهاد کشاورزی و وزارت صمت به عنوان دستگاه های تصمیم



گیرنده و تصمیم ساز، اظهار کرد: این دو وزارتخانه به عنوان مسئولین اصلی تولید و بازار باید برنامه کارشناسی تری را برای صنعت مرغداری در نظر می گرفتند.

وی با اشاره به سنگ اندازهای متعدد برای صادرات مرغ این راهکار را برای تنظیم بازار سریع غیر قابل استفاده دانست.

مهربانی یگانه گفت: سال گذشته دولت برای صادرات مرغ تعرفه ۵ هزار تومانی برای هر کیلوگرم تعیین کرد با این کار عملا دست تجار را برای صادرات این محصول بست و بازار را به رقبای خارجی در بازارهای هدف واگذار کرد.

مهربانی یگانه اتفاقی که امروز برای بازار مرغ افتاده است از نتیجه تصمیمات غلطی دانست که در گذشته برای صادرات گرفته شده است.

این استاد دانشگاه توزیع جوجه یک روزه های مازاد در مناطق محروم را غیر قابل اجرا دانست و افزود: جوجه های یک روزه صنعتی با حساسیت های بالا امکان رشد در شرایط بومی را ندارند و احتمال تلاقات آن ها بسیار بالاست. ضمن اینکه امکان توزیع نیز وجود ندارد. به گفته مهربانی یگانه؛ واحدهای تولید در هر ماه ۱۷ روز و در هر روز ۷،۵ میلیون قطعه تولید جوجه دارند.

وی اضافه کرد: اگر عدم سازگاری جوجه های صنعتی با محیط بومی را در نظر نگیریم هیچ مکانیزی وجود ندارد تا بتواند این میزان جوجه را در منطق محروم توزیع کند.

مهربانی یگانه تاکید کرد: علاوه بر آن نظارت بر پرورش و سلامت این حجم از جوجه در مناطق محروم برای جلوگیری از شیوع بیماری نیز موضوع دیگری است که این راهکار را غیر عملی می کند.

به گزارش ایلنا؛ به نظر می رسد بهترین راهکار برای جلوگیری از وقوع چنین اتفاقات دلخراشی برنامه ریزی دقیق، کارشناسی و انعطاف پذیر همراه با حفظ و توجه به بازارهای صادراتی باشد که دستگاه های مسئول تولید و تنظیم بازار تا امروز نتوانسته اند از پس آن به خوبی برآیند.